

Research paper
2 (1), 65-84, Fall, 2023

A Corpus-based Study of the Concept of *ʔehteram* in the Iranian Culture

Zahra Moghadasi¹, Sayed Mohammad Hosseini²

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 15 November 2023

Accepted: 17 December 2023

Keywords:

ethnography of communication,
corpus-based pragmatics,
respect,
deference,
social status,
Persian culture

ABSTRACT

In this paper attempt is made to shed light on the conceptualization of *ʔehteram* ('respect') as a cultural keyword in a corpus of written Persian, using ethnography of communication. 717 tokens of the uses of *ʔehterām* and its cognates *mohtæram* (respected), *mohtærameh* ('respectably', 'respectfully'), and *Hormæt* (roughly 'reverence') were extracted from the Persian Linguistic Database corpus and were semantically and pragmatically analyzed in their respective contexts. Findings indicate that *ʔehteram* and its cognates are primarily employed concerning the 9 concepts of power, manners, qualifications, subjugation and submission, age, hospitality, caring, wealth, and beauty. Drawing on research on social stratification, it is argued that the concept that unites all these contexts and concepts is *shæʔn* or social status, in the sense of a person's position in the social hierarchy. Furthermore, it is suggested that the concept of *Hormæt* is less dependent on the situational context and is a form of respect that is paid primarily to the position occupied by an individual according to the culturally defined system of values. *Hormæt* is a special form of *ʔehterām* in the Iranian culture based on the culturally defined intrinsic or absolute status of categories and individuals.

Cite this article: Moghadasi, Z., & Hosseini, S. M. (2023). "A Corpus-based Study of the Concept of *Ehteram* in the Iranian Culture". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 2 (1), 65-84.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: [10.22034/jls.2023.140073.1049](https://doi.org/10.22034/jls.2023.140073.1049)

1. M.A. in Applied Linguistics, Department of English Language and Literature, Faculty of Letters and Foreign Languages, Arak University, Iran. E-mail: moghaddasi@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Letters and Foreign Languages, Arak University, Iran. E-mail: m-hoseini@araku.ac.ir

سال دوم، دوره دوم، شماره اول، شماره پیاپی سوم، پائیز ۱۴۰۲، ص ۸۴-۶۵

بررسی پیکره-بنیاد مفهوم «احترام» در فرهنگ ایرانی

زهرا مقدسی^۱، سید محمد حسینی^۲

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در این پژوهش کوشش شده است تا با روش مردم‌نگاری ارتباط، و بر پایه پیکره فارسی نوشتاری معاصر، چگونگی مفهوم‌سازی «احترام» به عنوان یک کلیدواژه فرهنگی در فرهنگ ایرانی آشکار گردد. بدین منظور، ۷۱۷ مورد از کاربردهای احترام و هم‌ریشه‌های آن همچون «محترم، محترمانه و حرمت»، از پایگاه دادگان زبان فارسی (پیکره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) استخراج شد و در بافت کاربردی خود مورد بررسی و تحلیل معنایی-کاربردی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که مفهوم احترام در نه زمینه مختلف قدرت، آداب معاشرت، شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها، تسلیم و انقیاد، سن، مهمان‌نوازی، محبت و توجه، دارایی، و زیبایی به کار می‌رود. همچنین، بر پایه پژوهش‌های جامعه‌شناسان درباره قشربندی اجتماعی، استدلال شده است که مفهوم واحدی که همه این مقوله‌ها و زمینه‌های کاربردی را به هم پیوند می‌دهد مفهوم شأن به معنای جایگاه در سلسله‌مراتب اجتماع است. علاوه بر این، نشان داده شده که حرمت کمتر وابسته به عوامل بافت موقعیتی است و بر مبنای نظام ارزش‌های سطح کلان فرهنگ به جایگاه افراد و به تبع آن به خود افراد، گذاشته می‌شود. شایان ذکر است که «حرمت» نوعی احترام ویژه در فرهنگ ایرانی است که مبتنی بر ارزش یا شأن ذاتی و مطلق افراد و مقوله‌ها می‌باشد.
تاریخ وصول: ۱۴۰۲ آبان ۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ آذر ۲۶	
واژه‌های کلیدی: قوم‌نگاری ارتباط، کاربردشناسی پیکره-بنیاد، احترام، حرمت، شأن اجتماعی، فرهنگ ایرانی	

استناد: مقدسی، زهرا؛ حسینی، سید محمد (۱۴۰۲). «بررسی پیکره‌بنیاد مفهوم «احترام» در فرهنگ ایرانی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و*

کاربرد، ۱(۲)، ۸۴-۶۵.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/jls.2023.140073.1049

۱. دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه اراک، ایران.

moghaddasi@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه اراک، ایران.

m-hoseini@araku.ac.ir

۱. مقدمه

بین واژه‌های یک زبان و زندگی مادی و معنوی جوامعی که به آن زبان تکلم می‌کنند پیوند نزدیکی برقرار است. برخی از این واژه‌ها اهمیت بیشتری در یک فرهنگ یافته‌اند و اطلاعات بیشتری در مورد آن فرهنگ آشکار می‌کنند که به آن‌ها کلیدواژه فرهنگی می‌گویند (ویرژیچکا^۱، ۱۹۹۷: ۱۶-۱۵). یکی از کلیدواژه‌های روابط بینافردی ایرانیان مفهوم «احترام» است که در تعامل‌های اجتماعی به کرات شنیده می‌شود و دغدغه‌ای روزمره محسوب می‌گردد (نک: شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۵). با این حال، مروری بر مطالعات انجام‌شده درباره کلیدواژه‌های فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد که تحقیقات بسیار کمی در مورد مفهوم‌سازی «احترام» انجام شده است. اکثر تحقیقات کنونی، احترام را زیرمجموعه نظریه ادب^۲ و وجهه^۳ بررسی کرده‌اند (نک: حسینی، ۱۴۰۱؛ کوتلاکی^۴، ۲۰۰۲، ۲۰۰۹؛ ایزدی، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷؛ صحراگرد، ۲۰۰۳؛ جهانگیری، ۱۳۷۸)، اما واژه احترام و کاربردهای آن، تا آن‌جا که نگارندگان می‌دانند، موضوع پژوهشی مستقل نبوده است. پژوهش حاضر با بررسی پیکره-بنیاد کاربردهای مفهوم «احترام» و هم-ریشه‌های آن، یعنی «محترم»، «محترمانه»، و «حرمت» می‌کوشد بر یکی از جنبه‌های مهم رفتار بینافردی ایرانیان پرتو بیافکند. به بیان دیگر، پرسش این پژوهش این است که مفهوم «احترام» در چه بافت‌هایی به کار می‌رود و در این بافت‌ها چه معناهایی در ذهن ایرانیان فارسی زبان دارد. در ادامه، در بخش دوم ابتدا نتایج تحقیقات پیشین در مورد احترام مرور خواهد گردید و سپس در بخش سوم مفاهیم نظری تحقیق معرفی خواهد شد. در بخش چهارم شیوه گردآوری داده‌ها و نحوه تحلیل آن‌ها معرفی می‌شود. در بخش پنجم به ارائه و تحلیل و بحث داده‌ها می‌پردازیم و در بخش ششم خلاصه یافته‌ها و جمع‌بندی نهایی ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد کلیدواژه‌های فرهنگ ایرانی تحقیقاتی انجام شده است. مثلاً شریفیان (۲۰۰۸) به بررسی مفهوم‌سازی «دل» در چارچوب زبان‌شناسی فرهنگی، و حسینی و همکاران (۱۳۹۶ الف و ب) به دو مفهوم «آبرو» و «رو» با روشی مردم‌نگارانه پرداخته‌اند. بردبار و همکاران (۱۳۹۸) نیز به بررسی

¹Wierzbicka

²Politeness Theory

³Face

⁴Koutlaki

مفهوم‌سازی طرحواره تعارف در چارچوب زبان‌شناسی فرهنگی (شریفیان، ۲۰۱۷) می‌پردازد. در این بخش تنها به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که مستقیماً مفهوم احترام را کاویده‌اند. صحراگرد (۲۰۰۳) در بررسی مؤلفه‌های معنایی مفهوم «تعارف» در فرهنگ ایرانی پنج مفهوم ادب، احترام، رودربایستی، مهمان‌نوازی، و تواضع را از مهم‌ترین مفاهیم آن برمی‌شمارد. به نظر وی، مهم‌ترین وجه در روابط انسانی ایرانیان مفهوم احترام است. صحراگرد با توجه به پاسخ‌هایی که از طریق پرسشنامه به دست آورده است، نتیجه می‌گیرد که هر عمل کلامی یا غیرکلامی که از روی ادب انجام می‌شود، می‌تواند احترام در نظر گرفته شود. به نظر او، احترام عبارت است از مشارکت در نظامی اجتماعی که مستلزم رعایت مجموعه‌ای از هنجارهایی است که بر اساس روایات دینی و شیوه تربیت در بین ایرانیان، رعایت آن تکلیف یا واجب شمرده می‌شود. از نظر صحراگرد، احترام الگویی بر اساس مقیاس عمودی یا سلسله مراتب اجتماعی است که ابتدا از خانه با والدین و برادران و خواهران بزرگ‌تر شروع می‌شود و به سایر افراد، اقوام و دوستان و افراد مسن بسط می‌یابد.

کوتلاکی (۲۰۰۲، ۲۰۰۹) در بررسی مفهوم «وجهه» در فرهنگ ایرانی به عنوان زیرمجموعه ادب، دو مفهوم شخصیت و احترام را مفاهیم کلیدی در وجهه ایرانی می‌داند. به نظر او، احترام عبارت است از نشان دادن جایگاه خود و دیگری در سلسله مراتب اجتماعی، با پیروی از هنجارهای ادب و تعارف آیینی (۲۰۰۹: ۱۱۷)، با اذعان، هر چند ظاهری، به برتر یا بهتر بودن دیگری از خود، و تعریف از موفقیت‌ها، توانمندی‌ها، دانش یا داشته‌های دیگری (۲۰۰۹: ۱۲۰-۱۲۱). به نظر او، احترام اغلب به صورت متقابل در میان افراد هم‌سطح عمل می‌کند و بیانگر همبستگی، مشارکت و صمیمیت است. افراد با احترام گذاشتن به دیگران شخصیت خود را نشان می‌دهند. شخصیت، از نظر او، مفهومی ایستاست که در کودکی و طی فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد (برای نقد این دیدگاه، نک: حسینی، ۲۰۲۲).

از نظر ایزدی (۲۰۱۵) نیز که در چارچوب نظریه وجهه به پژوهش پرداخته است، مفهوم «احترام» فاصله بین افراد را (به درجات مختلف) برجسته می‌کند. به بیان دیگر، هر بار که دو نفر به یک‌دیگر احترام می‌گذارند، با وارد نشدن به قلمرو فردیت یک‌دیگر و گاه با به رسمیت شناختن/اذعان به منزلت اجتماعی طرف مقابل بین خود درجه‌ای از فاصله می‌سازند (۲۰۱۵: ۸۵).

حسینی (۱۴۰۱) به بررسی مفهوم «احترام» در چارچوب نظریهٔ ساخت وجهه^۱ (آروندیل، ۲۰۲۰) پرداخته و از آن در کنار مفهوم «صمیمیت» استفاده می‌کند و این دو را تفسیر فرهنگ ایرانی از دو مفهوم نظری و فرهنگ ناوابسته پیوند و جدایی رابطه‌ای می‌داند. به نظر او، «احترام/جدایی عبارت است از نشان‌دادن تمایز و فاصله (فاصله افقی یعنی میزان همبستگی اجتماعی و فاصله عمودی یعنی رابطه سلسله‌مراتبی قدرت یا شأن بالاتر یا پایین‌تر) یک فرد نسبت به دیگری».

همان‌گونه که از مرور کوتاه فوق مشخص می‌شود مفهوم «احترام» اغلب با/دب یا با وجهه یکی دانسته شده است، اما تاکنون هیچ پژوهشی مستقلاً و به روشی پیکره-بنیاد به بررسی مفهوم «احترام» نپرداخته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

هافستید^۲ و همکاران (۲۰۱۰) فرهنگ‌ها را به دو دسته کلی «فاصله قدرت زیاد^۳» و «فاصله قدرت کم^۴» تقسیم‌بندی می‌کنند. در فرهنگ‌های با فاصله قدرت زیاد (نابرابری مبنای نظم اجتماعی تلقی می‌شود) (ص. ۹۷). به بیان دیگر افراد در نظامی اجتماعی به‌سر می‌برند که در آن هر فردی جایگاه، منزلت یا شأن ویژه‌ای در نسبت با دیگران دارد و اغلب تلاش می‌شود این جایگاه‌ها حفظ شوند تا نظم و ترتیب امور حفظ شود. در پژوهش‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی شأن رتبه‌ای تعریف شده که بر مبنای عامل غیراکتسابی ولادت (مثل جنس، سن، ملیت، نژاد) و یا بر مبنای توانایی‌ها و قابلیت‌های آموخته افراد به آن‌ها نسبت داده می‌شود. در انتساب شأن به افراد نوعی قشربندی اجتماعی عمودی نهفته است. هلر (۲۰۰۰) عواملی که بر لایه‌بندی اجتماعی تأثیر می‌گذارند را دارای دو بعد محتوایی و ساختاری می‌داند. بعد محتوایی یا بعد قدرت، در نظر هلر، به معنای «توانایی یک واحد اجتماعی در موجب شدن رفتاری در دیگران است». این قدرت با قوهٔ قهریه یا با رضایت روال‌مند شده است. قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت اعتبار^۵ و قدرت اطلاعات در ذیل بعد محتوایی شأن قرار می‌گیرند. قدرت سیاسی با قدرت و نفوذ سیاسی سنجیده می‌شود و قابل اندازه‌گیری نیست. قدرت اقتصادی، یعنی

¹Face Constituting Theory

²Hofstede

³High power distance

⁴Low power distance

⁵prestige

میزان دسترسی به کالاهای و خدمات، با میزان درآمد (و گاه میزان ثروت) سنجیده می‌شود. قدرت اعتبار با جایگاه شغلی سنجیده می‌شود-با ارزش و اعتبار اجتماعی یک شغل و با وضعیت اجتماعی-اقتصادی آن. قدرت اطلاعات نیز با تعداد سال‌های تحصیل رسمی اندازه‌گیری می‌شود. هلمر درآمد، جایگاه شغلی و تحصیلات را سه عامل اصلی و قابل دفاع می‌داند که در تعریف منزلت و شأن اجتماعی افراد در سلسله مراتب اجتماعی تأثیر می‌گذارند. هلمر، فینک^۱ و ژانوسیک^۲ (۲۰۰۰: ۲۷۸۷) در گزارش پژوهش‌های انجام‌شده در مورد شأن اجتماعی در کشورهای مختلف از عوامل سن، تجربه و عملکرد نیز یاد می‌کنند. در سایر پژوهش‌ها نیز شأن یک فرد که با جایگاه او در نظم اجتماعی مبتنی بر جنس، روابط عمودی خانوادگی، شغل، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل، تحصیلات و سایر عوامل سنجیده می‌شود، نسبتاً ثابت در نظر گرفته می‌شود که تنها با تحولات فرهنگی تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، خود متغیرها تغییر نمی‌کنند بلکه معنای فرهنگی‌ای که به این عوامل داده می‌شود ممکن است تغییر کند (دیاموند^۳، ۱۹۹۶).

در فرهنگ‌های با فاصله قدرت زیاد میزان احترام افراد به شأن و جایگاه آنان در سلسله‌مراتب فرهنگی اجتماعی وابسته است و هدف از تحقیق حاضر نشان دادن رابطه بین احترام و عناصر شأن بر پایه نمونه‌هایی از نظرات فراکاربردشناختی در یک پیکره زبانی فارسی است. چارچوب توصیفی برگزیده در این تحقیق، مردم‌نگاری ارتباط^۴ است که «برای شناسایی این موضوع طراحی شده است که شرکت‌کنندگان در رویدادهای فرهنگی چگونه شیوه‌های ارتباطی را سازمان می‌دهند و چه فرضیات اساسی در کار است که بر الگوهای تعاملات روزمره تمرکز دارد (وارداف و فولر^۵، ۲۰۲۱: ۲۱۵). و از آن‌جا که داده‌های پژوهش از نوع پیکره‌ای است در چارچوب کاربردشناسی پیکره‌ای نیز قرار می‌گیرد.

کاربردشناسی پیکره‌ای عبارت است از «مطالعه کاربرد زبان به کمک مجموعه‌های بزرگ و خوانش‌پذیر توسط رایانه» (یاکر^۶، ۲۰۱۳: ۱) که وجه افقی (تفسیری) و عمودی (آماري) تحلیل

¹Fink

²Janusik

³Diamond

⁴Ethnography of communication

⁵R. Wardhaugh & J. Fuller

⁶A.H. Jucker

را ادغام می‌کند (ها،^۱ ۲۰۱۸). «تحلیل افقی (تفسیری) شامل استفاده از روش‌های کیفی برای بررسی عملکردهای فرم‌های زبانی خاص در زمینه‌های محلی و متوالی آن‌ها است. تحلیل عمودی (آماري) شامل به‌کارگیری روش‌های کمی برای شناسایی الگوهای مکرر در استفاده از فرم‌های زبانی خاص در موقعیت‌های مختلف گفتمانی است» (ها، ۲۰۱۸: ۶۲۳). این شیوه به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم صورت‌های زبانی توسط چه کسانی، کجا، و برای چه اهدافی استفاده می‌شوند. مزیت دیگری که دارد این است که به ما کمک می‌کند تا مشاهده کنیم که چگونه افراد گوناگون در موقعیت‌های مختلف آن کاری را که با استفاده از زبان انجام می‌دهند مفهوم‌سازی و ارزیابی می‌کنند (ها، ۲۰۱۸).

بر اساس نظر ها (۲۰۱۸: ۶۲۴) «فراکاربردشناسی پیکره-بنیاد^۲ شامل مطالعهٔ برجسب‌های فراکاربردشناختی و نظرات فراکاربردشناختی است که در پیکره‌هایی به‌کار رفته‌اند و با استفاده از ترکیبی از روش‌های تحلیل تفسیری و آماری تحلیل می‌شوند. این برجسب‌های فراکاربردشناختی هم به شرکت‌کنندگان و هم به ما به‌عنوان ناظر کمک می‌کنند تا درک خود را نه تنها از تعاملات خاص، بلکه واقعیت اجتماعی خود را در معنایی وسیع شکل دهیم. تمرکز اصلی مطالعه در این روش تحقیق، بر واژگان یا عباراتی است که مفاهیم ارتباطی را نشان می‌دهند (بأس و هوبلر^۳، ۲۰۱۲). بنابراین موضوع تحلیل فراکاربردشناختی، کاربرد زبان است (ها، ۲۰۱۸).

۴. روش‌شناسی پژوهش

برای گردآوری داده‌های پژوهش حاضر از پایگاه دادگان زبان فارسی استفاده شد. این پیکره نخستین پایگاه اینترنتی آنلاین برای فارسی معاصر است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زیر نظر دکتر مصطفی عاصی طراحی و توسعه یافته است. این پیکره شامل ۳۵۰ میلیون کلمه و شامل متون مختلف علمی، آموزشی، داستانی، غیرداستانی، شعر، نمایشنامه، روزنامه، ادبیات کودک و نوجوان، مجلات ادبی، متون دوازده فرهنگ لغت مختلف، مجموعه کاملی از قوانین ایران، نمونه‌های ضبط شده انواع مهم فارسی رسمی و غیررسمی معاصر و نمونه‌های گویا از مجلات و نشریات پرمخاطب با زمینه‌ها و موضوعات متنوع است (عاصی، ۱۳۹۶). در این پژوهش، واژه‌های «احترام» و «بی‌احترامی»، و هم‌ریشه‌های آن «محترم، محترمانه، و حرمت و

¹M. Haugh

²Metapragmatic Labels

³U. Busse & A. Hubler

بی‌حرمتی» در پایگاه جست‌وجو شد. متون ترجمه‌شده و فرهنگ‌های لغات از داده‌ها حذف شدند و تحلیل به متونی که در اصل به زبان فارسی نوشته شده بودند، محدود شد. متون شعری نیز به علت محدود بودن بافت معنایی از قسمت گردآوری داده‌ها حذف شدند. علاوه بر این، مواردی که در آن‌ها کلمه‌های احترام و محترم به عنوان اسم خاص به کار رفته بودند نیز از داده‌ها حذف شد.

در این پیکره هنگام جست‌جوی هر کلمه در اغلب موارد، بافت زبانی‌ای که کلمه به همراه منبع و شماره جمله در منبع اصلی نیز نشان داده می‌شود. این اطلاعات به محققان کمک کرد تا در مواردی بتوانند با مراجعه به متن اصلی به اطلاعات کاملتری در مورد بافت موقعیتی کاربرد هر یک از نمونه‌ها دسترسی پیدا کنند.

پس از گردآوری داده‌ها از «پایگاه دادگان زبان فارسی»، محققان برای تحلیل داده‌ها از روش «توصیف چندلایه^۱» که در مردم‌شناسی و مردم‌نگاری ارتباط مرسوم است استفاده نمودند. این نوع توصیف «نه تنها به معانی و تفاسیر افراد در یک فرهنگ می‌پردازد، بلکه به مقاصد آن‌ها نیز توجه می‌کند. تصویر روشنی از افراد و گروه‌ها در زمینه فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند ارائه می‌دهد» (پونتروتو^۲، ۲۰۰۶: ۵۴۱). تحلیل توصیف چندلایه بیش از توصیف یک موقعیت است و جزئیات، مکان و زمان، احساسات و شبکه‌های روابط اجتماعی که افراد را به هم متصل می‌کند را نشان می‌دهد. در توصیف چندلایه، عبارات، احساسات، فعالیت‌ها و پیامدهای ارتباط افراد درک می‌شود. به عبارت دیگر، تبیین چیزی است که درک یا دیده می‌شود (دنزین^۳، ۱۹۸۹). در این شیوه تحلیل، «همه کنش‌های اجتماعی به گونه‌ای توصیف می‌شوند که خواننده با خواندن گزارش محقق، حس حقیقت‌گویی را تجربه کند» (دنزین، ۱۹۸۹: ۸۳). شوانت^۴ (۲۰۰۱: ۲۵۵) بر این باور است که «توصیف چندلایه یک کنش اجتماعی در حقیقت شروع به تفسیر آن با ثبت شرایط، معانی، مقاصد، راهبردها و انگیزه‌هاست».

¹Thick description

²J. G. Ponterotto

³N. K. Denzin

⁴T.A. Schwandt

۵. بررسی مفهوم «احترام» در فرهنگ ایرانی

در مجموع ۷۵۴ مورد کاربرد مفهوم «احترام» و سه هم‌ریشه آن از پایگاه دادگان زبان فارسی استخراج شد. پس از حذف ۳۷ مورد کاربرد «احترام و محترم» به‌عنوان اسم خاص یا در شعر، در نهایت ۷۱۷ نمونه کاربرد «احترام» و هم‌ریشه‌های آن در بافت کاربردی خود تحلیل و بررسی گردید و با توجه به بافت و موقعیت کاربرد در ۹ مقوله دسته‌بندی گردید. جدول شماره ۱، دسته‌بندی‌ها و تعداد و درصد کاربردهای مفهوم «احترام» و هم‌ریشه‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بسامد کاربردهای احترام، محترم، محترمانه، و حرمت

مقوله‌ها	احترام	محترم	محترمانه	حرمت	مجموع
قدرت	۵۲	۱۵۹	۲	۷	۲۲۰ (۳۰.۶۸٪)
انقیاد و تسلیم	۲۸	۳۱	۰	۶	۶۵ (۹.۰۶٪)
سن	۱۸	۳	۰	۷	۲۸ (۳.۹۰٪)
ثروت و دارایی	۳	۷	۰	۲	۱۲ (۱.۶۷٪)
آداب معاشرت	۷۲	۴۳	۳	۲۶	۱۴۴ (۲۰.۰۸٪)
شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها	۶۵	۳۳	۱	۳	۱۰۲ (۱۴.۲۲٪)
مهمان‌نوازی	۱۳	۰	۱	۱	۱۵ (۲.۰۹٪)
محبت و توجه	۵۳	۵۱	۲	۲۲	۱۲۸ (۱۷.۸۵٪)
زیبایی	۲	۱	۰	۰	۳ (۰.۴۱٪)
مجموع	۳۰۶	۳۲۸	۹	۷۴	۷۱۷ (۱۰۰٪)

از جدول فوق می‌توان دریافت که چهار مقوله قدرت، آداب معاشرت، محبت و توجه، و شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها به ترتیب چهار مقوله یا حوزه‌هایی هستند که بیش از سایر مقوله‌ها موجب کسب احترام می‌شوند. همچنین، کم‌اهمیت‌ترین فاکتور برای جلب احترام افراد زیبایی ظاهر است. در زیر با ذکر یک مثال از هر مقوله به رابطه آن با مفهوم شأن می‌پردازیم.

پربسامدترین کاربرد احترام در پیکره این پژوهش (نک: جدول ۱) رابطه آن با مقوله قدرت است. مثلاً در گزیده شماره ۱، احترام به دلیل قدرت گذاشته می‌شود:

۱. «سرهنگ مغز فکر کرد عجب شکوهی! برای چندمین بار از ورود به ارتش شاد شد. در ذهن فرضیه‌ای ساخت: مردم دو دسته‌اند قوی، ضعیف، حد وسط ندارد. (سینه را پیش داد)

باید برای زنش می‌گفت، صاحبان قدرت سرگل طبیعت‌اند. مستخدمی جای می‌برد، خمیده قد، زردچهره. سرهنگ معز با نفرت سرپای او را نگاه کرد. فرضیه را در ذهن ادامه می‌داد آفریدگانی مثل او دخلی به آدم ندارند. مغزشان پوک است تا مرز انداختن آب دهان روی زمین پیش رفت. زندگی این موجودات چه ارزشی برای جهان داشت. برگشت به افسران قدبلند و خوش‌اندام نگاه کرد. چهره‌ها سالم، خوش‌آب‌ورنگ و متین بود. این مملکت با امثال ما درست می‌شود. افسری فربه از او جلوتر می‌رفت. وارد تالار شدند. منشی دادگاه، متهمین و مردم به احترام برخاستند.» (ترقی، چهارراه: ۵۱۶)

در جوامع با فاصله قدرت زیاد افراد نه به حیث انسان‌بودن، بلکه به خاطر شأن و جایگاهی که در جامعه دارند، شایسته احترام هستند. در موقعیت فوق، احترام به سرهنگ و افسری که جلوتر از او وارد تالار شده، و با انجام رفتار متعارف برخاستن از جای خود نشان داده شده، به دلیل داشتن قدرت ناشی از شغل و لباس نظامی آن‌هاست. همان‌طور که از متن استنباط می‌شود، قدرت به‌همراه خود «احترام، شکوه، بزرگی، طراوت، و شادابی» می‌آورد. قدرت سرهنگ و نظامی جلوتر از او قدرتی است که به دلیل اعتبار شغل کسب شده است.

کاربرد احترام به معنای انقیاد و مطیع بودن در برابر دیگری، که در مثال ۲ مشهود است، با قدرت بی‌ارتباط نیست:

۲. «پس از اظهار نهایت مسرت، ابراز امیدواری به توفیق و جناح آن دوست گرامی، لازم می‌دانم این نکته را به عرض برسانم که دشمنان و حاسدان از مدتی پیش مرا با آنکه همیشه از دولت خواهان بوده و پیوسته ذکر خیر شما را بر لب داشته‌ام دشمن شما قلمداد کرده و شما را با آنکه در مردانگی و عظمت نفس شهره جهانی بدخواه من شمرده‌اند. من خوب می‌دانم که اینها همه دروغ محض و ناروای صرف است. از این دقیقه با نهایت صراحت به آن مشفق معظم اعلام می‌دارم که تا زنده‌ام، احساسی جز احساس محبت و احترام نسبت به ایشان نخواهم داشت. خود را نه فقط دوست بلکه مطیع و حتی خراج‌گذار آن دوست عزیز خواهم شمرد و گوش اطاعت به طرف ایشان خواهم داشت.» (متعان، رابعه:

(۱۱۴۲)

^۱ در ارجاع به منابع داده‌ها از سبک پایگاه دادگان زبان فارسی تبعیت شده است، یعنی ابتدا نام نویسنده، سپس نام اثر و در نهایت شماره جمله در پیکره ثبت شده است.

در مثال فوق، «احترام» به معنای مطیع و تسلیم اوامر دیگری بودن، انقیاد، تحسین و تمجید و ستایش همراه با اغراق به کار رفته است. این نوع از «احترام» ممکن است به خاطر قدرت بیشتر طرف مقابل باشد و یا به خاطر شأن و منزلت بالاتر او. انقیاد و تسلیم در برابر دیگری ممکن است از سر ترس یا با هدف کسب منفعت مادی یا غیرمادی باشد. این کاربرد احترام در برخی بافت‌ها منفی ارزیابی می‌شود چراکه فرد از خود سلب آرامش می‌کند تا دیگری در آرامش و راحتی باشد، خود را به زحمت می‌اندازد تا خواسته‌های طرف قدرتمندتر را برآورده سازد.

یکی دیگر از کاربردهای «احترام» در رابطه با عامل سن است. هر چه سن مخاطب بیشتر باشد، توقع و انتظار این است که مورد احترام بیشتری قرار می‌گیرد:

۳. «در همان حینی که رکن‌الدوله به فرزندان خود توصیه می‌کرد که مطیع اوامر عضدالملک باشند، فخرالدوله در دل خود به این وصیت پدر زهر خنده می‌زد و زیرچشمی عضدالدوله را می‌نگریست و سر بریده او را در مقابل خود مجسم می‌نمود و می‌دید و تبسم می‌کرد. در آن چند روزی که برادران در اصفهان بودند، مویلدالدوله من جمیع الجهات احترام برادر بزرگتر خود عضدالدوله را رعایت می‌کرد و صحبت او را مغتنم می‌شمرد و راجع به کارهایی که در پیش داشت، و مخصوصاً جنگ‌های احتمالی با آل زیار و سامانیان با وی مشورت می‌کرد.» (سردادور، از صید ماهی تا پادشاهی: ۱۳۷۶)

کلمه «بزرگ‌تر» به سن اشاره دارد که در اینجا با عامل تجربه و قدرت سیاسی نیز ادغام شده است. از توصیه‌های رایج در فرهنگ ایرانی واجب بودن «احترام بزرگ‌تر» است، شاید به این دلیل که سن با تجربه در ارتباط است و در احترام بزرگ‌تر انتظار رایج این است که کوچک‌ترها به فرد بزرگ‌تر و تجربه‌وی اعتماد کنند، او را امین خود بدانند، در کارها با او مشورت کنند. این کاربرد به معنای حرف‌شنوی و تسلیم در برابر خواسته بزرگ‌تر به صرف بزرگ‌تر بودن نیز هست، که در نظام اخلاقیات فرهنگ ایرانی نیز توصیه به آن را بسیار می‌شنویم. در فرهنگ‌های جمع‌گرای شرقی سن به افراد جایگاهی بالاتر از افراد کوچک‌تر می‌دهد و آن‌ها را شایسته احترام می‌کند، به این معنا که به صرف داشتن سن بالاتر فرد واجد حقوقی ویژه، و به تبع آن الزامات و تعهدات مترتب بر آن، می‌شود. احترام صرفاً به خاطر سن بیش‌تر در فرهنگ‌های فردگرا کمتر مشاهده می‌شود (هافستید و همکاران، ۲۰۱۰).

در مثال ۴، یکی دیگر از دلایلی که فرد مورد احترام قرار می‌گیرد داشتن پول، ثروت، یا دارایی بیان شده است:

۴. «وینویا گفته است در کتاب مقدس او پانیشاد خوانده‌ام که پادشاهی گفته است «در قلمرو سلطنت من دزد و خسیس وجود ندارد». و ما خوب می‌دانیم که اگر خسیس و پول جمع‌کن در دنیا نبود دزد هم پیدا نمی‌شد. اما کار ما به جایی کشیده است که امروز دزد را در زندان می‌اندازیم و مالدار را که به زور خست و لثامت توانگر گردیده است، مورد احترام قرار می‌دهیم». (جمالزاده، خاک و آدم: ۱۳۹۱)

بر اساس متن فوق، فرد ثروتمند غالباً مورد احترام قرار می‌گیرد و ثروت و دارایی‌هایش ملاک محترم شمرده‌شدن اوست. البته، این نوع احترام همیشه بار معنایی مثبت ندارد و بستگی دارد به نحوه گردآوری ثروت، هر چند به‌طور کلی در فرهنگ ایرانی، احتمالاً تحت تأثیر فرهنگ صوفیانه که فقر را ارزش برمی‌شمرده، به دلیل نابسامانی‌های تاریخی که گاه موجب می‌شده افراد فرصت‌طلب به سرعت و بدون کار و تلاش به مکتب برسند، به‌طور کلی نگاه منفی به ثروتمند و سرمایه‌دار رواج دارد. شاهد این مدعا دو بیت مشهور سعدی است که می‌گوید «هر که افزون گشت سیم و زرش / زر نباریده از آسمان بر سرش / از کجا جمع کرده این زر و مال / یا خودش دزد بوده یا پدرش» که به صورت ضرب‌المثل نیز در آمده است. اما در هر حال ثروت موجب ارتقاء جایگاه اجتماعی یا شأن فرد می‌شود و برای او احترام، هر چند ظاهری، به ارمغان می‌آورد. یک دلیل آن را شاید بتوان به رابطه ثروت و قدرت مربوط دانست چرا که ثروت به فرد ثروتمند قدرت تأثیرگذاری بر زندگی اطرافیان کم‌ثروت می‌دهد. به همین دلیل می‌توان کاربرد احترام به دلیل ثروت را ذیل قدرت نیز قرار داد.

در نمونه ۵، شایستگی یا داشتن ویژگی مثبت یکی دیگر از دلایلی است که منجر می‌شود فرد مورد احترام واقع شود:

۵. «ساعتی بعد در گوشه و کنار دارالحکومه و بارگاه استاد هرمز، بزرگان و سران سپاه و جوه اهالی دو به دو در گوش یکدیگر کلماتی می‌گفتند و به این ترتیب شایعه شومی دهان‌به‌دهان می‌گشت و وسعت می‌یافت. همه با بهت و حیرت و با وحشت و نفرت به یکدیگر می‌گفتند: مگر ممکن است! استاد هرمز، مردی چنین خوب. با این درجه فضل و کمال، مردی چنین نیکوکار و صاحب‌دل، کسی که در همه عمرش کوشیده است که بین مردم نیک‌نامی و آبرو تحصیل کند، چگونه راضی می‌شود به خاطر یک زن هر قدر

آن زن زیبا و بلند پایه باشد مرتکب بزرگترین گناه جهان شود، یک موجود بشری را بکشد، آن موجود یک مرد روحانی باشد، آن روحانی واقعاً متقی و متدین باشد و آن مرد متدین و راستگو بین مردم احترام و نفوذی بی پایان داشته باشد؟ مگر استاد هرمز دیوانه شده باشد و دست به چنین جنایت بیالاید و گرنه تصور این خونریزی را هم به دماغش راه نمی‌دهد» (متعان، رابعه: ۱۴۸۵)

در متن بالا، مورد احترام واقع شدن مشروط به داشتن یک یا تعدادی ویژگی از نظر فرهنگی مثبت است. برای مثال، راستگویی، نیکوکاری، تقوا، روحانیت، و تدین صلاحیت‌ها و شایستگی‌هایی است که استاد هرمز را درخور احترام می‌سازد. فرد در منظر دیگران بواسطه داشتن صفات مورد پسند جامعه، عزیز و محترم شمرده می‌شود. این خصوصیت‌ها که ویژگی‌ها و جنبه‌های مختلف شخصیت فرد پنداشته می‌شوند (نک: حسینی، ۲۰۲۲) و اغلب بر اثر ممارست و تمرین کسب می‌شوند موجب ارتقاء منزلت او شده و او را شایسته احترام می‌کنند.

در نمونه ۶، مهمان‌نوازی رفتاری است که انجام آن به معنای احترام گذاشتن به مهمان است و با تعارف رابطه مستقیم دارد، بدین معنا که هرچه میزبان تعارف بیشتری کند، بیشتر به مهمان احترام گذاشته و مهمان بیشتر احساس احترام می‌کند:

۶. «آهو خانم که هنوز بغض در گلویش بود گفت: مرا بگو که دلم برای این زن سوخت. او را بدبخت و فلک‌زده تصور می‌کردم. به من گفت مثل سنگی که از دهانه قله پرتاب شده باشد، روی هوا بی‌مقصد می‌روم. هیچ معلوم نیست کجا بیافتم. حالا بروید به او بگویید چرا توی همه جاها به آشیانه آهو افتادی که چهارتا بچه دارد؟ بیست روز با عزت و احترام هر چه تمامتر در خانه‌ام از او پذیرایی کردم. این هم مزد دستم، دست در کاسه مشت بر پیشانی».

(افغانی، شوهر آهو خانم: ۲۳۸۰)

«مهمان‌نوازی» نوعی دیگر از کاربرد مفهوم «احترام» در فرهنگ ایرانی است. شاید بتوان گفت که ایرانیان به این خصیصه، در منظر بسیاری از مردم جهان شناخته شده هستند. توجه بسیار به مهمان، فراهم کردن وسایل آرامش و آسایش مهمان، تهیه بهترین غذاها، و اختصاص دادن بهترین مکان در منزل به مهمان، همه مصداق بارز «مهمان‌نوازی» یا «احترام» به مهمان است. در منظر میزبان، مهمان بسیار عزیز و محترم است. دو مثل رایج در زبان فارسی که حاکی از این واقعیت است، عبارتند از: «مهمان حیب خداست» و «مهمان روزی‌اش را با خودش می‌آورد». در نمونه ۶، دو کلمه عزت و احترام در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. «عزت» به معنای «عظیم

شمردن»، «بزرگ‌دانستن»، و «ارج‌نهادن» دیگری، در اینجا مهمان، است. در نتیجه، «احترام» در مهمان‌نوازی را می‌توان رفتاری دانست که طبق آن دیگری بزرگ انگاشته می‌شود.

در نمونه ۷، «احترام» به طرز رفتار در برخورد با دیگران، رعایت ادب کلامی، و پیروی از آداب معاشرت اشاره دارد:

۷. «جوان به راننده می‌گوید آقا، بعد از فوزیه کجا می‌روید؟ راننده می‌گوید کجا می‌توانم بروم؟ یا باید مستقیم بروم یا بیچم دست‌چپ. «خیابان تخت جمشید تشریف می‌برید؟» راننده محکم می‌گوید نه! من با ادب و احترام و تواضع بسیار می‌گویم، اگر مستقیم تشریف می‌برید برای بنده سعادت است که تا چهارراه کالج در خدمت‌تان باشم. راننده پاسخی نمی‌دهد. خوشحالم که دست‌کم نه نگفته است». (تنکابنی، راه رفتن روی ریل: ۵۳۹۹)

در این مثال، جوان سعی دارد تا با استفاده از اصطلاحات رسمی و مؤدبانه، با راننده تاکسی با احترام برخورد کند. می‌توان این مورد را به ادب گفتاری نیز تعبیر کرد. اگرچه راننده تاکسی با لحنی تند و کوتاه جواب جوان را می‌دهد، اما باز هم جوان به رفتار احترام‌آمیز خود ادامه می‌دهد. در این مثال، «احترام» همراه با تواضع و عبارت‌هایی آمده («تشریف می‌برید»، «در خدمت‌تان باشم») که به معنای خود کوچک‌انگاری و دیگر بزرگ‌انگاری است، بدین معنی که فرد برای نشان دادن «احترام»، خود را کوچک و دیگری را بزرگ باز می‌نماید. این در حالی است که در رابطه بین مسافر و راننده، انتظار می‌رود مسافر از جایگاه بالاتری برخوردار باشد.

در مثال ۸، احترام در معنای توجه، محبت، و تامین نیازهای فرد مقابل است:

۸. «بالآخره تمام صورت تراشیده شد و سلمانی یکبار دیگر صابون زد و یک دفعه دیگر تراشید. لگن خود را آورد زیر چانه آقای وجیه الدوله نگاه داشت. صورت او را شست و وقتی که صورت آقای وجیه الدوله از آب لگن بیرون آمد و خود را در آینه نگاه کرد دید در نظر خود خفیف شده. فوراً کلاه را به سر گذاشت. یقه و دستمال گردن را نبسته پولی به سلمانی داد و با کمال عجله از سلمانی بیرون آمد. همینکه چشمش به هوای خیابان افتاد وحشت او را گرفت. عبا را به سر کشید و با کمال عجله مثل مقصری که از سیاستگاه فرار کرده است خود را به منزل رساند. در ضمن راه حس کرد که به کلی ذلیل شده است. دیگر کسی نگاه توجه به او ندارد. دیگر کسی به او احترام نخواهد کرد. وقتی که به منزل خود رسید نوکرها او را به

خانه راه نمی‌دادند و تصور می‌کردند دیگری غیر از اوست. کلفت‌ها او را نشناخته و وحشت‌زده فرار کردند و فریاد می‌کردند «این مرد غریبه کیست؟» بچه‌هایش از مقابل او گریه‌کنان در می‌رفتند. زنش پیش آمد. او را شناخت ولی هیچ نگفت. حتی اشاره‌ای هم نکرد. ساکت راه اتاق را پیش گرفت و در تمام مدت روز نزدیک شوهر خود نیامد». (نفیسی، ستارگان سیاه: ۹۸۵)

در این متن، «احترام» در معنای توجه، محبت کردن، رسیدگی، و بی‌تفاوت نبودن به کار برده شده است و راه‌اندادن به منزل، فرار کردن از مقابل او، دوری کردن افراد خانواده، و بی‌توجهی از مصادیق بارز بی‌احترامی به‌شمار رفته است. وجیه‌الدوله که تاکنون فردی مذهبی و سنتی بوده، حالا با تراشیدن ریش می‌خواهد فردی مدرن و امروزی بشود، هر چند نه خودش و نه اطرافیانش از این تصمیم راضی نیستند. به بیان دیگر، یکی از جنبه‌های شخصیت وجیه‌الدوله که در بین اطرافیان به آن شناخته می‌شده تغییر کرده و این تغییر سبب شده او دیگر آن جایگاه و مقام پیشین را نداشته باشد و به اصطلاح «از چشم‌ها بیافتد». در نمونه ۸، اطرافیان وجیه‌الدوله با نادیده گرفتن وجود او، نشان می‌دهند که سبک زندگی جدید او را دون شأن او می‌دانند و با بی‌اعتنایی اعتراض خود را نشان داده و می‌کوشند او را از راه جدیدی که در پیش گرفته منصرف سازند.

نمونه ۹، نشان می‌دهد که یکی دیگر از عواملی که ممکن است سبب کسب احترام بشود داشتن زیبایی یا آراستگی ظاهری است که یکی از نشانه‌های آن پوشیدن لباس فاخر است:

۹. «اصلاً آقای نوپور به لباس اشخاص زیاد معتقد بودند و می‌فرمودند که لباس تأثیر مهمی در روحیه و «سای کلاسی» دارد. هر ملتی خصایصی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها طرز لباس پوشیدن است. به عقیده ایشان متمدن‌ترین ملل اول انگلیس‌ها و بعد آمریکایی‌ها بودند. لباس در زندگانی این دو ملت تأثیر عظیمی دارد. در نظام انگلیس قریب دویست نوع اونیفورم موجود است. انگلیسی‌ها حتماً باید با اسموکنینگ سرناهار بروند و الا توهینی به اخلاق اجتماعی می‌شود. اصلاً مردمان طبقات مختلف لباس‌های مختلف دارند. شما تصور بکنید که وقتی با پالتو مرتب دم در اتاق یکی از روسای ادارات تشریف می‌برید، پیشخدمت چطور به شما احترام می‌گذارد. در صورتی که اگر پالتو شما کشیف و یا بدشکل باشد و یا مثلاً کاملاً به نتنان نجسبیده باشد، و یا اینکه یک خیاط ناشی سر آن کار کرده باشد، نود درصد شانس دارید که پیشخدمت اصلاً کار شما را به رییس اداره نرساند». (علوی، چمدان: ۳۰۷۵)

مثال فوق کاربرد مفهوم «احترام» را در ارتباط با زیبایی و آراستگی ظاهر نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت که جدای از آراستگی و زیبایی چهره که می‌تواند احترام بسیاری از مردم را به همراه داشته باشد، زیبایی و آراستگی ظاهری می‌تواند فرد را در منظر دیگران، محترم و توانمند نشان دهد. این آراستگی ظاهری می‌تواند به شکل پوشیدن لباس‌های فاخر، زیبا، و گران‌قیمت باشد که به نوعی به فرد شخصیت می‌دهد. به عبارتی لباسی که فرد به تن می‌کند، گویای آشکاری از شرایط مالی، طرز زندگی، علائق و سلیقه، و در نهایت بیانگر جایگاه اجتماعی فرد و طبقه‌ای است که فرد در جامعه به آن تعلق دارد. بنابراین، فرد می‌تواند با لباسی که به تن می‌کند، مورد احترام یا تمسخر قرار گیرد. در برخی دیگر از نمونه‌هایی که احترام به دلیل زیبایی ظاهری بدون داشتن شخصیتی متناسب با آن است، احترام صرفاً ناشی از ظاهر زیبا بار معنایی منفی می‌یابد. با توجه به این توضیحات، اگر این مثال را کنار توصیف‌هایی که در نمونه ۱ آمده است بگذاریم، آشکار می‌شود که این کاربرد احترام را می‌توان مرتبط با قدرت و ثروت و همچنین رفتار و منش نیز قرار داد.

به نظر نگارندگان، همه مفاهیم فوق را می‌توان ذیل عنوان و مقوله منزلت/شأن قرار داد. به بیان دیگر، مقوله‌های قدرت، انقیاد و تسلیم، سن، ثروت و دارایی، آداب معاشرت، شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها، و مهمان‌نوازی و زیبایی و حتی محبت و توجه از طریق مفهوم کلی جایگاه/منزلت اجتماعی که در فرهنگ ایرانی از آن تعبیر به شأن می‌شود با هم مرتبط هستند. در به کارگیری «احترام» در بافت‌هایی که اختلاف قدرت، اعتبار اجتماعی، ثروت، سن، زیبایی، و شایستگی‌ها و صلاحیت‌های اکتسابی وجود دارد، احترام به معنای نشان دادن توجه به این ابعاد مختلف شأن افراد است. در به کارگیری «احترام» در آداب معاشرت نیز، همان‌گونه که پیداست توصیه به شکسته‌نفسی (شریفیان، ۲۰۱۷) به معنای کوچک‌انگاشتن خود و بزرگ‌انگاشتن دیگری می‌شود و این یعنی برای نشان دادن احترام، خود را از نظر ارزش و جایگاه پایین‌تر از دیگری و دیگری را بالاتر از خود نشان بده. این‌گونه احترام هم‌زمان که دیگری را بالا می‌برد، سبب می‌شود خود فرد نیز با نشان دادن تبعیت از اصل اخلاقی تواضع/شکسته‌نفسی، شأن و جایگاه بالاتری کسب کند (احترام به دلیل شایستگی‌ها). در خصوص محبت و توجه نیز می‌توان ادعا کرد با نشان دادن توجه به دیگری و اذعان به وجود و حضور او، فرد منزلت و شأن طرف مقابل را به رسمیت شناخته است.

در داده‌های پژوهش حاضر هر چند حرمت برای همان مقوله‌هایی به کار رفته است که برای احترام، اما بین حرمت و احترام تفاوت‌هایی مشاهده شد. از جمله این که حرمت در هیچ موردی برای زیبایی و آراستگی به کار نرفته است و کاربرد آن با دارایی و ثروت بسیار ناچیز بوده است. افزون بر این، حرمت می‌تواند با مفاهیم انتزاعی مثل «علم»، «نان و نمک»، «دوستی»، «موریش سفید»، «زبان» (مثلاً در «حرمت زبان آذری») و جز این‌ها هم‌نشین شود که در نظام ارزش‌های اخلاقی فرهنگ ایرانی جایگاه والایی دارند، ولی احترام کمتر در این موقعیت‌ها به کار می‌رود. همچنین، هم‌نشینی حرمت با «شکستن» و «هتک کردن» نشان می‌دهد که حرمت، در مقایسه با احترام، مفهومی است مطلق. از مجموعه این مشاهدات می‌توان نتیجه گرفت که حرمت، احترامی است که به جایگاه‌ها گذاشته می‌شود نه به افراد. توضیح این که، به نظر گودیناف^۱، «شان مجموعه و ترکیبی از حقوق و وظایف است» (گودیناف، ۱۹۶۵: ۲). «حقوق و وظایف محدوده‌هایی را تعریف می‌کنند که از طرفین یک رابطه اجتماعی انتظار می‌رود رفتارشان را در [چارچوب] آن محدود کنند. در درون هر محدوده افراد امتیازهایی دارند یعنی حوزه‌های انتخاب یا اختیار دارند». طبق نظر گودیناف وظیفه‌ها نسبت به افراد نیستند بلکه به هویت یا نقش اجتماعی آنان است. مثلاً در ارتش احترام به لباس رسمی نظامی گذاشته می‌شود نه به خود فرد. شاید بتوان تفاوت احترام و حرمت را با توسل به مفهوم شأن مطلق و شأن نسبی نیز نشان داد. به نظر کانسلر^۲ و استایلز^۳ (۱۹۸۱):

«شان یا مرتبه اجتماعی یک فرد را می‌توان هم به صورت مطلق در یک سلسله مراتب ثابت اجتماعی تعریف کرد (مثلاً در یک دپارتمان دانشگاهی، یک سازمان تجاری، یک نیروی نظامی، باند خیابانی، یا یک محله) و هم می‌توان در رابطه با عضو دیگری که فرد در یک زمان با او در تعامل است تفسیر نمود. به این ترتیب، شأن نسبی فرد در گفت‌وگو با فردی زیر دست بالا و در گفت‌وگو با فردی بالادست پایین است، اما شأن مطلق فرد در هر دو موقعیت یکسان است» (کانسلر و استایلز، ۱۹۸۱: ۴۵۹-۴۶۰).

^۱Goodenough

^۲Cansler

^۳Stiles

بر همین اساس، می‌توان گفت حرمت احترامی است که بر اساس جایگاه یک فرد یا یک مفهوم در نظام ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ایرانی به فرد گذاشته می‌شود. حرمت کمتر وابسته به عوامل بافت موقعیتی است و بر مبنای نظام ارزش‌های سطح کلان فرهنگ به افراد به ودیعه داده می‌شود و فقط با تغییرات کلان فرهنگی تغییر می‌کند (نک: دیاموند، ۱۹۹۶: ۹-۱۰). در نظام فرهنگ ایرانی، برخی جایگاه‌ها و موقعیت‌ها و برخی مفاهیم حرمت مطلق دارند، مثل حرمت علم که به تبع آن دانشمندان، معلمان و استادان دانشگاه شایسته احترام هستند؛ یا مثلاً رابطه دوستی و معاشرت یا تجربه که سبب می‌شود افراد برای حفظ حرمت آن‌ها دست به اقدام‌هایی بزنند یا از رفتارهایی پرهیز کنند. بنا بر این، حرمت شکل خاصی از احترام است که بیشتر از احترام، با موقعیت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی رایج در فرهنگ ایرانی ارتباط دارد. همه مردم حق دارند مورد احترام قرار بگیرند (یعنی با احترام با آن‌ها رفتار شود)، اما در سلسله مراتب اجتماعی، به کسانی که دارای موقعیت اجتماعی بالا هستند، حرمت می‌نهم.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر مبنای داده‌های پیکره‌ای نوشتاری، به رابطه نزدیک احترام و شأن و منزلت اجتماعی می‌پردازد و از یک سو تأییدی است بر ادعای بیمن (۱۹۸۶) مبنی بر این که کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که در آن الزامات توجه به منزلت و شأن اجتماعی به اندازه جامعه ایرانی جدی باشد. همچنین، تأییدی است بر تعریف ایزدی (۲۰۱۵) و کوتلاکی (۲۰۰۲، ۲۰۰۹) از احترام که آن را با نشان دادن جایگاه فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی مرتبط می‌دانند. اما در عین حال نشان می‌دهد که این سلسله‌مراتب صرفاً محدود به روابط قدرت نیست بلکه گستره وسیعی از پدیده‌ها را از تحصیلات و دانش تا زیبایی در بر می‌گیرد. بررسی حاضر نشان می‌دهد که چگونه مفهوم احترام با شأن در آمیخته و از یک طرف وابسته به آن است و از سوی دیگر، سازنده آن. علاوه بر این بر رابطه بین حرمت و احترام که در برخی بافت‌ها هم‌معنا به شمار می‌آیند پرتو می‌افکند. این یافته‌ها از این جهت حائز اهمیت هستند که تصویر نسبتاً روشنی از معنای احترام در زمینه‌های مختلف فرهنگ ایرانی ارائه می‌دهند. البته در بررسی مقوله‌ها و زمینه‌هایی که احترام در آن‌ها به کار می‌رود یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن این که پژوهش حاضر با استفاده از پیکره‌ای نوشتاری انجام شده و متونی را شامل می‌شود که در گستره زمانی ای حدود یک صد سال تألیف شده‌اند. این ویژگی، محدودیت‌هایی را بر تعمیم‌پذیری

مقوله‌های یافت‌شده تحمیل می‌کند. مثلاً برخی کارکردهای احترام ممکن است امروزه کم‌رنگ‌تر شده باشند و نقش‌ها و کارکردهای جدیدی به آن افزوده شده باشد. این نکته، ضرورت انجام تحقیق با پیکره‌هایی گفتاری و به‌روزتر را برجسته‌تر می‌کند.

منابع فارسی

- بردبار، مریم؛ گلغام، ارسلان؛ بهرامی، سحر؛ عامری، حیات (۱۳۹۸). روراستی تعارف‌ها و جنسیت در زبان فارسی: رویکردی شناختی. پژوهش‌های زبانی، ۱۰(۱)، ۲۱-۳۷.
- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات). تهران: آگاه.
- حسینی، سیدمحمد؛ آقاگلزاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ؛ گلغام، ارسلان (۱۳۹۶الف). وجهه در فرهنگ ایرانی: بررسی قوم‌نگارانه مفهوم آبرو. زبانشناسی و گویش‌های خراسان، ۱۷، ۱۲۱-۱۵۲.
- حسینی، سیدمحمد؛ آقاگلزاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ؛ گلغام، ارسلان (۱۳۹۶ب). «رو» و «آبرو» دو روی مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی: پژوهشی قوم‌نگارانه در کاربردشناسی زبان. جستارهای زبانی، ۸(۶)، ۲۱۵-۲۴۶.
- حسینی، سیدمحمد (۱۴۰۱). دیالکتیک «صمیمیت» و «احترام» در یک گفت‌وگوی تلویزیونی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۴(۲)، ۱۳۱-۱۵۲.
- شیخ‌الاسلام، طاهره (۱۳۹۵). در اسارت فرهنگ. تهران: صمدیه.
- عاصی، مصطفی (۱۳۹۶). پایگاه دادگان زبان فارسی.

References

- Arundale, R. B. (2020). *Communicating & Relating: Constituting Face in Everyday Interacting*. Oxford: Oxford University Press.
- Beeman, W.O. (1976). "Status, Style, and Strategy in Iranian Interaction". *Anthropological Linguistics*, 18: 305-322.
- Beeman, W.O. (1986). *Language, Status, and Power in Iran*. Indiana University Press.
- Cansler, D.C., & Stiles, W.B. (1981). "Relative Status and Interpersonal Presumptuousness". *Journal of Experimental Social Psychology*, 17: 459-471.
- Denzin, N. K. (1989). *Interpretive Interactionism*. SAGE Publications.

- Diamond, J. (1996). *Status and Power in Verbal Interaction: Study of discourse in a close-knit social network*. Amsterdam: John Benjamins.
- Goodenough, W.H. (1965). Rethinking 'Status' and 'Role'. Toward a General Model of the Cultural Organization of Social Relationships. In M. Banton (Ed.), *The Relevance of Models for Social Anthropology*. Association of Social Anthropology Monographs I, (1-24). Tavistock.
- Haller, A.O. (2000). Social stratification. In Edgar F. Borgatta & Rhonda J. V. Montgomery (Eds.) *Encyclopedia of Sociology*. Vol. 4, pp. 2864-2874. New York: Macmillan.
- Haller, A.O., Edward L. F., & Laura J. (2000). Social psychology of status allocation. In Edgar F Borgatta & Rhonda J. V. Montgomery (Eds.) *Encyclopedia of Sociology*. Vol. 4, pp. 2780-2789. New York: Macmillan.
- Haugh, M. (2018). Corpus-based Metapragmatics. In Jucker, A.H., Schneider, K.P., & W. Bublitz (Eds.), *Methods in Pragmatics*, 619-643. Amsterdam: Mouton De Gruyter.
- Hofstede, G., Hofstede, G. J., Minkov, M. (2010). *Cultures and Organizations: Software of the Mind* (3rd Edition). USA: McGraw-Hill.
- Hosseini, S. M. (2022). Self, Face, and Identity in the Iranian Culture: A Study on Three Lexemes. *Journal of Research in Applied Linguistics*, 13(2), 53-68. [In Persian]
- Hubler, A., & Busse, U. (2012). *Investigations into the Meta-Communicative Lexicon of English. A Contribution of Historical Pragmatics*. John Benjamins.
- Izadi, A. (2015). "Persian honorifics and Im/politeness as social practice". *Journal of Pragmatics*. 85: 81-91. [In Persian]
- Izadi, A. (2017). "Culture-general and culture-specificity of the Face: Insights from Argumentative talk in Iranian dissertation defenses". *Pragmatics and Society*. 8(2): 208-230. [In Persian]
- Jucker, A.H. (2013). Corpus Pragmatics. In: J.O. Ostman & J. Verschueren (Eds.), *Handbook of Pragmatics 2013 Installment* (1-18). John Benjamins.
- Koutlaki, S. (2002). "Offers and expressions of thanks as face enhancements: taʔarof in Persian". *Journal of Pragmatics* 34(12): 1733-1756.
- Koutlaki, S. (2009). Two sides of the same coin: how the notion of 'face' is encoded in Persian communication. In F. Bargiela-Chiappini &

- M. Haugh (Eds.), *Face, Communication and Social Interaction* (pp. 115-133). London: Equinox.
- Persian Linguistic Database. (2017). Retrieved from <http://www.Pldb.ihcs.ac.ir>
- Ponterotto, J. G. (2006). "Brief Note on the Origins, Evolution, and Meaning of the Qualitative Research Concept Thick Description". *The Qualitative Report*, 11(3): 538-549.
- Sahragard, R. (2003). A Cultural Script Analysis of Politeness Features in Persian. In *Proceeding of the 8th Pan-Pacific Association of Applied Linguistics*, (pp. 399-423). Japan.
- Schwandt, T. A. (2001). *Dictionary of Qualitative Inquiry* (2nd ed.). SAGE Publications.
- Sharifian, F. (2008). Conceptualizations of del 'heart- stomach' in Persian. In F. Sharifian, R. Dirven, N. Yu and S. Niemeier (Eds.), *Culture, Body, and Language: Conceptualizations of Internal Body Organs across Cultures and Languages*, (pp.247-266). Berlin, New York: De Gruyter Mouton.
- Sharifian, F. (2017). *Cultural Linguistics*. John Benjamins Publishing Company.
- Wardhaugh, R. & Fuller, J. (2021). *An Introduction to Sociolinguistics* (8th edition). Wiley Blackwell.
- Wierzbicka, A. (1997). *Understanding Cultures Through Their Key Words*. New York: Oxford University Press.